

# تخیل در معماری- فوتوریسم معماری

فریبا ترابی شندی

faribatorabi@rocketmail.com

## چکیده

تخیل در معماری امروز کشور ما عنصری به خواب فرو رفته می باشد. عنصری که آموزش ندیده و پرورش نیافته است. به گونه ای که معماران در کارهای خود به عرصه تخیل قدم نمی گذارند، غافل از اینکه در دنیای پیشرفته کنونی تخیل در زیبایی و ماندگاری اثر تاثیر بسزایی دارد.

تخیل به عنوان تصور چیزهایی که وجود ندارند سه جنبه اصلی دارد :

۱- ترکیب شهودی تصاویر و مفاهیم

۲- تلفیق کارکردهای بازآفرینانه حافظه و خاطره با نوآوری های سازنده

۳- میانجی گری میان تجارب گذشته و دستاوردهای حاضر : نقش تولیدی و سازنده تخیل

تاثیر این سه جنبه بر معماری و نوآوری در معماری بسیار مهم می باشد. به گونه ای که معمار با ترکیب تصاویر جای گرفته در ذهن خود و همچنین تصور ذهنش از آینده می تواند طرحی نوآورانه ارائه دهد. در هم شکستن محدودیت ها و ذهنیات گذشته باعث می شود که معمار بتواند بنایی را که وجود ندارد و امکان ساختن آن ممکن نیست تصور کند و در پی ساخت آن برآید در مرحله بعدی تلفیق کارکردهای حافظه و برخورد آن با نوآوری های سازنده، معمار را در جهتی پیش می برد که طرح تخیلی خود را باور کرده و قابل اجرا بداند. در مرحله بعد طرح تخیلی معمار نقش تولیدی و سازنده می یابد به طوری که معمار طرح خود را قبول کرده و ذهن خود را به سمتی هدایت می کند که در پی ساخت اثر خلق کرده در ذهن خود باشد.

مکتب فوتوریسم به عنوان تخیلی ترین مکتب مطرح شده می تواند الگوی کار معماران و همچنین زمینه ای برای پروراندن علم تخیل در آن ها باشد و زمینه را برای نوآوری و خلاقیت بگشاید.

مکتب فوتوریسم به جای در گذشته و حال ماندن، نیاز به در آینده بودن را مطرح می کند.

آینده چگونه خواهد بود؟

معماری آینده چگونه خواهد بود؟

اگر شروع به تخیل در این زمینه کنیم می توانیم خلاقیت بیشتری در کارهای خود ارائه دهیم و دید بازتری نسبت به بناها و همچنین انسان هایی که قرار است در طرح ها و بناهای خلق شده توسط معمار زندگی کنند داشته باشیم.

## ۱. مقدمه

تبدیل شدن به انسان هایی فرامردن و رفتن به سوی آینده مستلزم تغییر و تحولات بسیار می باشد که شامل تغییر در نحوه زندگی و مکان زندگی انسان ها می باشد. تحولاتی که نیازمند شکل گیری در ذهن افراد خلاق و با تخیل بالا می باشد و نقش تخیل در این زمینه غیر قابل انکار است. تخیل، قدرت انسان در تولید فرم، تصویر یا ایده است. فرمی که در زمان حال قابل تصور و اجرا نمی باشد و برای آینده در نظر انسان شکل می گیرد. تخیل ما برای زندگی انسان های بعد از خود در واقع جهان جدید را شکل می دهد و زمینه ساز شکل گیری آینده می باشد. میزان پیش رفتن ما در آینده و همچنین در زمان، زمینه ساز شکل گیری سبک ها و طرح های نو و تازه نیز می شود. ذهن معمار را از ساخت و سازهای تکراری دور می کند. به شهرها فرم تازه ای می بخشد، و انسان ها را به سمت آینده ای متفاوت هدایت می کند. آینده ای که شاید در آن شهر و کشور به معنای امروزی خود تعریف نشود.

جنبش آینده گرایی: این جنبش در پی نگاهی نو نسبت به جهان و همسو شدن با تکنولوژی می باشد. تکنولوژی که با انقلاب صنعتی بوجود آمد و به سرعت پیشرفت کرد. فوتوریست ها خواهان آن بودند که جهان هر چه سریعتر با تکنولوژی همسو شود.

بنیانگذار این سبک، نویسنده و نقاش ایتالیایی، فیلیپو توماسو مارینتی، تحصیل کرده دانشگاه سوربن فرانسه بود. وی در سال ۱۹۰۹ در روزنامه معروف فیگارو در پاریس منشور فوتوریسم را منتشر کرد. او در بخشی از این منشور می نویسد: «ما تاکید می کنیم که زیبایی جهان توسط زیبایی جدیدی به نام سرعت، غنای فزون تری یافته است». (قبادیان، ۱۳۸۲، ۴۵) از این جمله می توان اینگونه برداشت کرد که فوتوریست ها و معماران مدرن نیم نگاهی بر زیبایی داشته اند و فوتوریست ها یکی از جنبه های مهم زیبایی را در سرعت می دیدند. و در واقع سرعت را در زمره زیبایی جای می دادند و خود را در دوره ای می دیدند که بتوانند با مقوله سرعت، به نوعی از زیبایی برسند. یکی از تاثیر گذارترین افراد در حوزه فوتوریسم انتونیو سانت الیا می باشد که در واقع پایه گذار فوتوریسم در معماری بوده است. سانت الیا در سال ۱۹۱۴ منشوری را مطرح می کند که اینگونه بوده است:

«ما در خیابان هایی که برای نیاز بشر چهار، پنج و شش قرن پیش ساخته شده زندگی می کنیم... محاسبات بر اساس مقاومت مصالح استفاده از بتن آرمه و فولاد، مانع از معماری به مفهوم قدیمی و کلاسیک شده است...»

ما دیگر این احساس را نداریم که مردان کلیساهای بزرگ، قصرها و تریبون ها هستیم. ما مردان هتل های بزرگ، ایستگاه های راه آهن، خیابان های وسیع، بنادر عظیم، بازارهای سرپوشیده، رواق های روشن، جاده های مستقیم و تخریب های سودمند هستیم.

ما باید شهر فوتوریسم را همچون یک کارگاه کشتی سازی پهناور و پرهیاو، متحرک و فعال با تمام جزئیاتش، ابداع و مجددا بازسازی کنیم. خانه فوتوریسم باید همانند یک ماشینی عظیم باشد. آسانسورها دیگر نباید همچون سوراخ های کرم در گوشه های راه پله پنهان شوند. خود قفسه راه پله به دلیل بلا استفاده بودن، باید حذف شود. آسانسورها می بایست مانند اژدهایی ساخته شده از آهن و شیشه بر پیکر ساختمان بالا روند. خانه ساخته شده با بتن، شیشه و آهن و عاری از نقاشی و مجسمه و غنی به سبب زیبایی خطوط و برجستگی هایش، و بسیار زشت به لحاظ سادگی مکانیکی اش با توجه به احتیاجات و نیازها و نه بر طبق قوانین شهرداری ساخته خواهد شد. تزیین بایستی برچیده شود. همه چیز باید دگرگون گردد...»

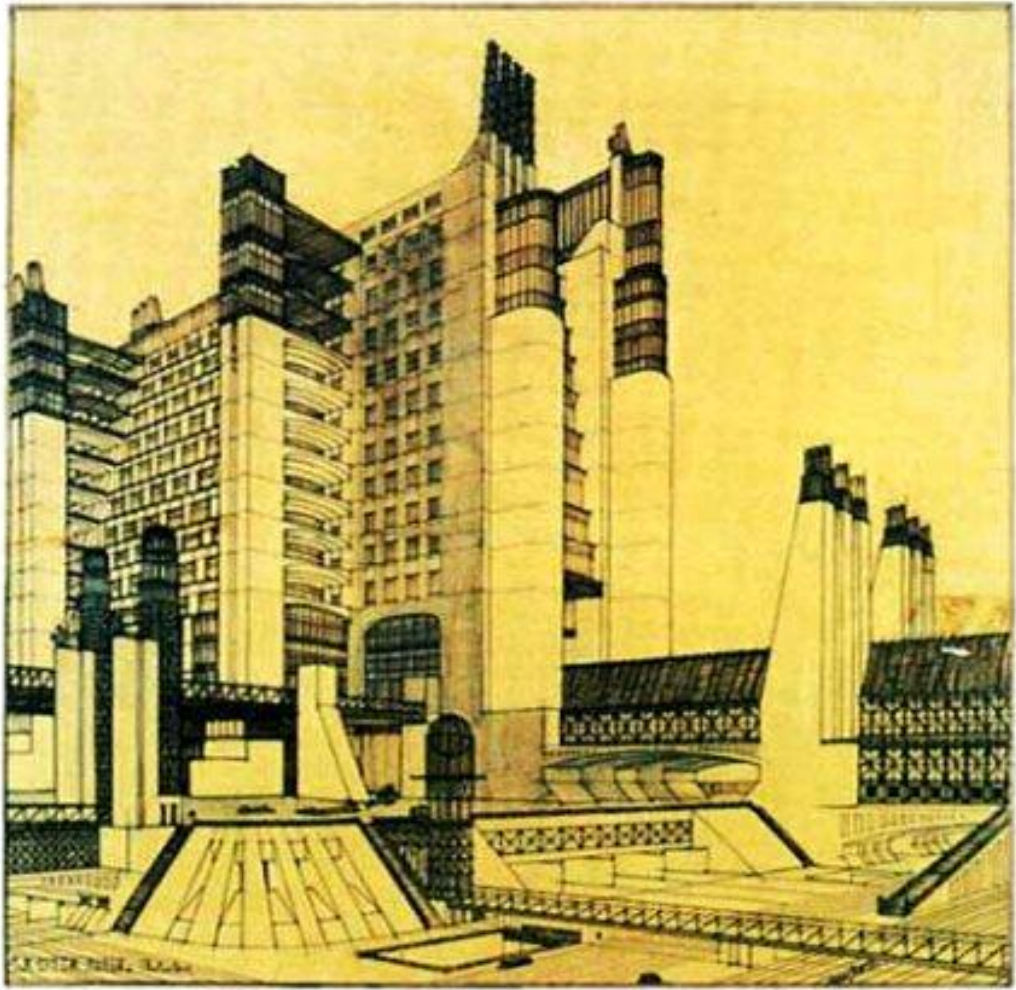
بیباید بناهای تاریخی، پیاده روه، پاساژها و راه پله ها را واژگون کنیم. بیباید خیابان ها و میدان ها را پایین ببریم و سطح شهر را بالا بیاوریم. همانگونه که پیشینیان منبع الهام خود در هنر را در طبیعت جستجو می کردند، ما باید منبع الهام خود را در جهان مکانیکی که به وجود آورده ایم پی جویی کنیم... هر نسلی باید شهر خود را بسازد...». (قبادیان، ۱۳۸۲، ۴۶)

می توان از گفته های سانت الیا اینگونه برداشت کرد: زمانی فرا رسیده که شهرها از کالبد قدیمی خود خارج شوند و به سوی تکنولوژی و پیشرفته شدن حرکت کنند. انسان ها دچار تغییر و تحول شده و شهر های قدیم پاسخگوی نوع زندگی آن ها نیست. شاید دیگر نیازی به تزیینات و تجملات احساس نمی شود بلکه با ساختار جدیدی باید در پی تزیین و زیباسازی بود.

«هرنسل باید شهر خود را بسازد» این جمله می تواند نقطه عطف منشور سانت الیا باشد و در هر دوره ای معماران را راهنمایی کند که تغییر و تحول را پذیرا باشند و تکرار و تقلید را کنار بگذارند.

اگر بخواهیم نگاهی فوتوریستی به آینده داشته باشیم می توان گفت که به زمانی خواهیم رسید که هر فرد شهر خود را بسازد.

سانت الیا در سال های ۱۹۱۳-۱۹۱۴ (قبادیان، ۱۳۸۲، ۴۷) به ترسیم شهر جدیدی که برای آینده در نظر داشت پرداخت، شهری که دیگر در عرض گسترده نشده بود بلکه گسترش طولی داشت به جای ساختمان های عریض و بزرگ ساختمان های بلند جایگزین شده بود. سانت الیا توانسته بود به آینده ای دست پیدا کند که شاید در زمان خودش کسی متصور آن نمی شده است و این همان هنر فوتوریست است که بتواند ذهن خود را به آینده بسپارد تا جلوتر از زمان خود را ببیند و به تصویر بکشد به نوعی مردم آینده را بشناسد و مثل آن ها فکر کند تا بتواند نیازهایشان را درک کند و ساختمان هایی با فکر و ایده آن ها بسازد.

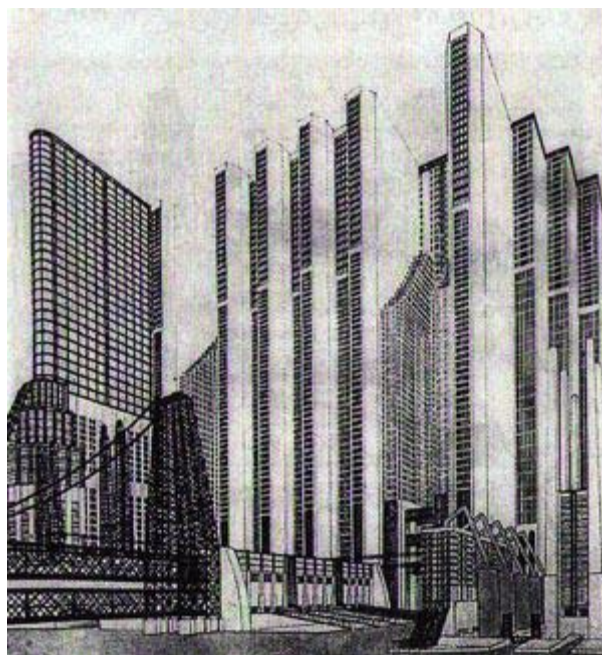


ANTONIO SANT'ELIA

LA CITTÀ NUOVA

CASAMENTO SU TRE PIANI STRADALI

1914



طرح سانت الیا برای ایستگاه مرکزی در میلان (۱۹۱۴)



## ۱.۲. آغاز «فوتوریسم»

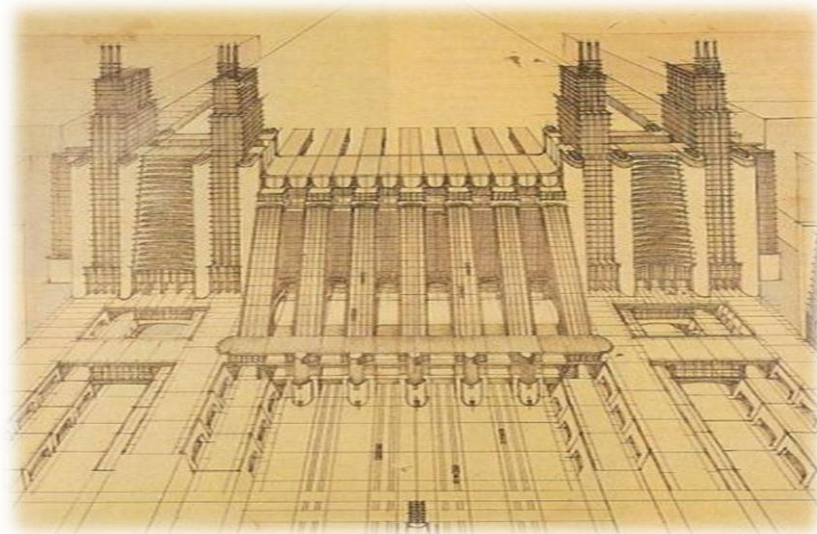
پایه گذار مکتب فوتوریسم «مارینتی» بود. شکل گیری و آغاز فوتوریسم از اروپا و ایتالیا بود که البته بسیاری معتقدند که این مکتب در ایتالیا ماند و به کل جهان معرفی نشد در صورتی که درست است که محل انتشار این مکتب محدوده کوچکی بوده و آثار هنرمندان فوتوریست هم در حد طراحی کاغذ باقی مانده ولی مهم اصول و عقاید این مکتب می باشد که پایه گذار بسیاری از طرح ها در آینده بوده به گونه ای که می توان گفت شاید طرح های الیا برای آرمان شهرش، زمینه و نقطه شروع شکل گیری آرمان شهرها و ساخت برج ها بوده است.

## ۲.۲. معماری فوتوریسم

کوشش هنرمندان «فوتوریست» در استفاده از اصول این مکتب مستقیماً در معماری، براساس این هنر تأثیری نگذاشت. «آنتونیوسانت الیا» هنرمند ایتالیائی در پروژه ی خود یک «شهر جدید» که مشتمل بر خانه های چندین طبقه و راه های زیر زمینی و هوآئی در طبقات مختلف بود، کوشید اصول «حرکت» را به عنوان عامل هنری در طرح شهرهای معاصر معمول دارد. در حدود سال ۱۹۶۰ که اهمیت مسئله عبور و مرور دانسته شد و برای حل آن ناگزیر ساختن جاده ها و خیابان ها در طبقات مختلف پیشنهاد شد اصول پروژه ی «سانت الیا» و کارهای مجسمه مانند «مالویچ» جانی تازه گرفت. «سانت الیا» به سال ۱۹۱۶ در گذشت و بر ما روشن نیست اگر زنده می ماند دنباله ی نظریات خود را پیشتر می برد یا خیر و اگر چه پیش بینی وی مستقیماً معماری را تحت تأثیر قرار نداد اما وی در زمانی طرح خود را رسم کرد که معماران دیگر تازه در جستجوی راهی نو بودند. «سانت الیا» در بیانیه ی خود به تاریخ ۱۴ ژوئیه ی ۱۹۱۴ که به مناسبت گشایش نمایشگاهی در میلان از طرح های وی منتشر شد اعلام داشت که باید در معماری استفاده از تمام مصالح ساختمانی جدید از آهن و بتن مسلح گرفته تا منسوجات کارخانه ای و مقوا معمول شود. اما قصد اصلی وی از این اعلامیه این بود که حرکت و تحول، اساس معماری است؛ اساسی که به معماری همان تحرک و «سبکی» مجسمه سازی را می دهد. قصد وی در جمله ای از خود او در این بیانیه خلاصه می شود: «هر خانه باید مناسب زمان خود ساخته شود».

## ۲.۳. اصول کلی آینده گری

هنرمندان آینده گر تاکید زیادی بر یکی شدن نقاشی و تماشاگر داشتند و می گفتند «باید تماشاگر را در مرکز نقاشی قرار داد تا به درک اجتماعی حیرت آور درون نقاشی های این سبک پی ببرد» و این امر باعث پدید آمدن دیدگاه ماشینی و مدرن آنها نسبت به نقاشی شد. آنها به کشفیات و دیدگاه های علمی با تحسین بسیاری نگاه می کردند و بر روی حرکت در نقاشی تاکید زیادی می کردند که این امر باعث پیدایش «کارتون» و یا پویا نمایی شد.



طراحی برای آینده اثر سانت الیا

### ۳. زیبایی

#### ۳.۱. مفهوم زیبایی

تعاریف بسیاری در باب زیبایی و مفهوم آن بوسیله بزرگان ، فیلسوفان ، هنرمندان و معماران انجام شده است. این تعاریف گاهی تکمیل کننده یکدیگر یا نقض کننده هم بوده اند و در دوران های مختلف تعابیر متفاوتی از این تعاریف شده است و هر انسانی می تواند برداشت خود را از این تعاریف داشته باشد و براساس آن برداشت بنایی بسازد یا نقاشی بکشد. زیبایی میلی است که از درون انسان سرچشمه می گیرد و تاحدودی دوگانگی بین زشتی و زیبایی بوجود می آورد به این معنی که همه چیز در جهان در دو گروه جای می گیرد زشت یا زیبا . اگر بخواهیم این دوگانگی را کنار بگذاریم می توان گفت به تعداد انسان های روی زمین تعریف برای زیبایی و زشتی وجود دارد و هر انسان از منظر خود زیبایی را می فهمد و اشیا و احساسات را زشت یا زیبا می پندارد. پنداری که شاید در تعاریف گذشته زیبایی نمی گنجد. به نظر می رسد به دورانی رسیده ایم که باید تعاریف و دسته بندی انسان ها را کنار گذاشته و دید بسیار بزرگتری بیابیم .

#### ۳.۲. زیبایی و معماری

به دلیل اینکه معماری در زمره کارهای هنری قرار می گیرد مقوله زیبایی در معماری مطرح می گردد. و باعث می گردد که با دیدن یک بنا علاوه بر بررسی معماری در مورد زیبایی آن هم فکر کنیم . در بناهایی که می سازیم زمانی را برای زیبا کردن طرح صرف می کنیم. به نظر می رسد در زمان حاضر زیبایی و معماری با هم عجین شده اند و رابطه ای غیر قابل انکار دارند. تعریف لوکوربوزیه از زیبایی در کتاب «به سوی معماری جدید» اینگونه می باشد :

شما ناگهان قلب مرا متاثر می کنید ، به من نیکی می کنید ، من شادمانم و می گویم «این زیباست». این خود معماری است. (نوربرگ-شولتس، ۱۹۷۴، ۴۴۱)

لوکوربوزیه نیاز انسان به زیبایی را اینگونه تفسیر می کند : نتیجه استفاده از صورت های بنیادی و هندسه متناسب ، و نتیجه مناسبت کارکردی. (نوربرگ-شولتس، ۱۹۷۴، ۴۴۱)

در واقع لوکوربوزیه ترکیب بندی درست و اصولی را زیبا دیده است و معتقد بوده اگر ساختار درست باشد اثر زیبا خواهد بود. پس می توان گفت: اگر معماران در مراحل اولیه کار خود اصول را رعایت کنند و بر طبق قواعد درست پیش بروند به زیبایی ذاتی می رسند.

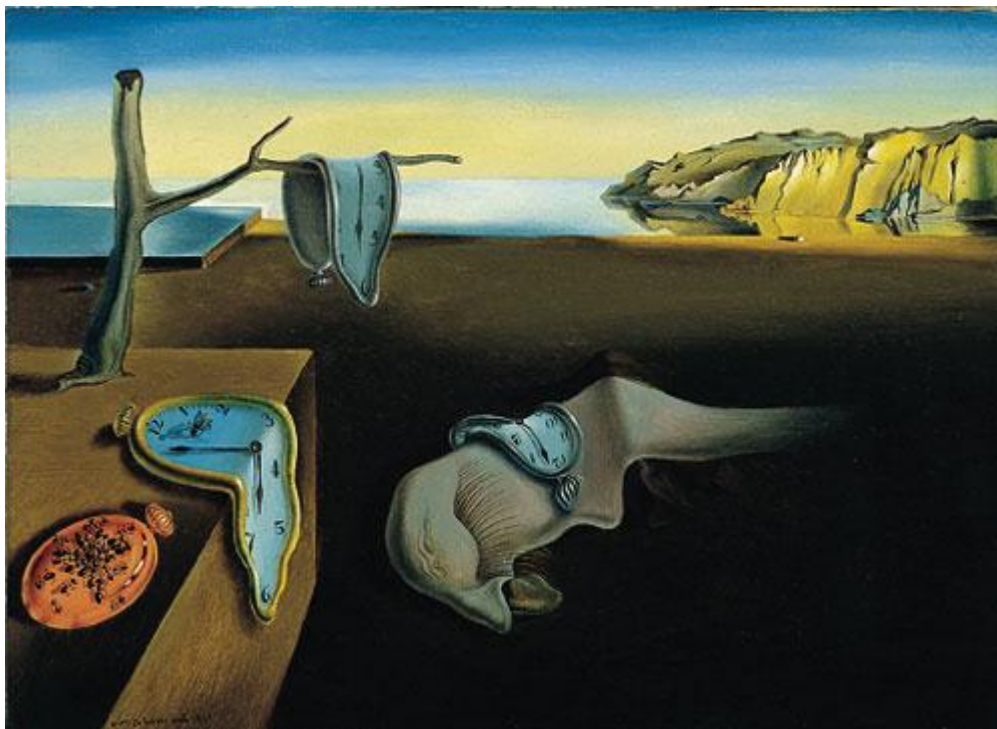
### ۴. تخیل

#### ۴.۱. مفهوم تخیل

تخیل تصورات ذهنی انسان است که می تواند به واقعیت تبدیل شود. زمینه ای از ذهن انسان که می تواند کارهای خارق العاده را انجام دهد و به نا ممکن دست پیدا کند.

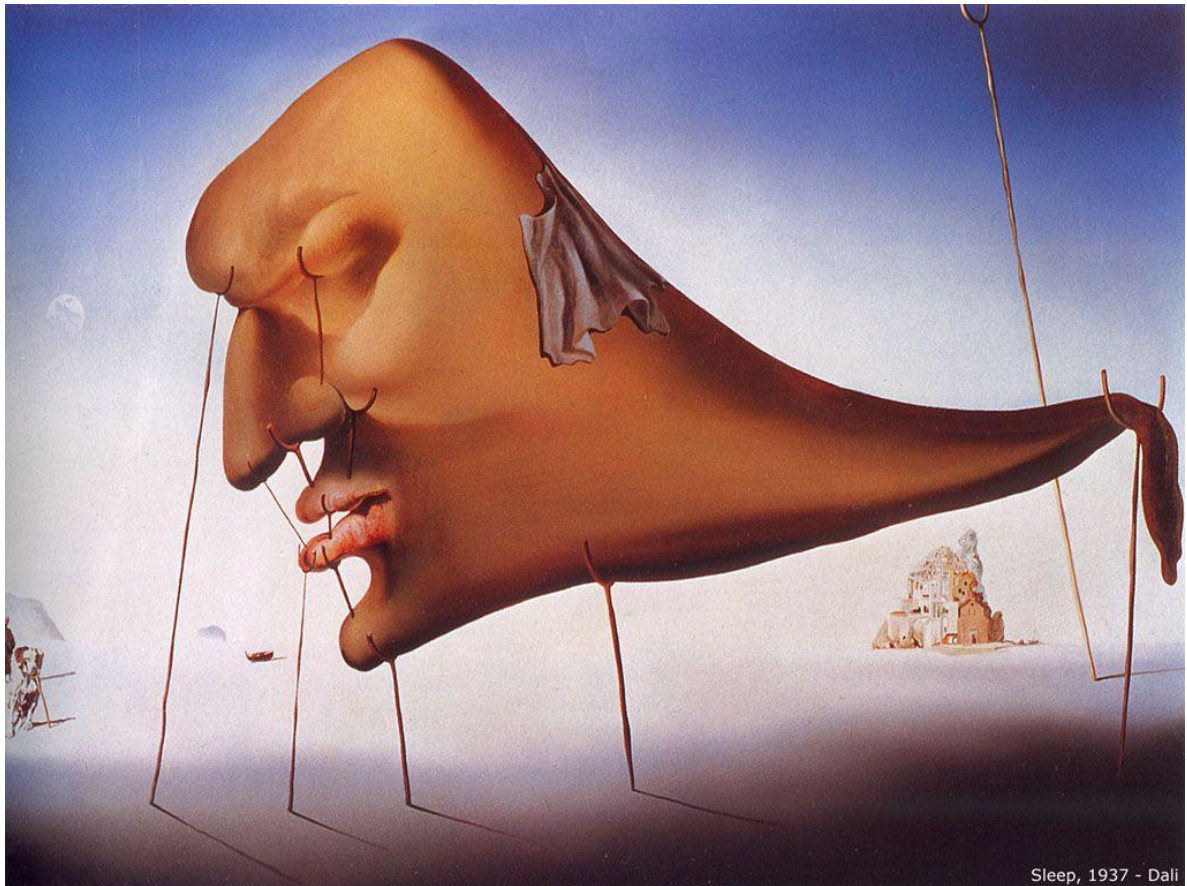
تخیل زیر بنای خلاقیت است . در واقع حس خلاقیت را در انسان شکوفا می سازد به این معنی که وقتی انسان بنایی را در تخیل خود خلق می کند می تواند عنصر خلاقیت را در ذهنش بکار انداخته و راهی برای به واقعیت پیوستن بنایی که روزی در تخیل او شکل گرفته بیابد.

در داشتن تخیلی فراتر از زمان حال می توان به سالوادور دالی اشاره کرد. او در کارهایش نشان داد که در آینده زندگی می کند ، آینده ای که شاید از زمان فعلی نیز بسی جلوتر باشد . طرح هایی که کاملا انتزاعی بوده و درون انسان را به خوبی نمایان می کند . می توان گفت آثار دالی فوتوریسم در نقاشی بوده که تفکرات انسان آینده را به تصویر کشیده است.



اثر سالوادور دالی

همانطور که در تصویر مشاهده می شود زمان مفهوم امروزی خود را نخواهد داشت و می توان گفت که زمان مقوله مهمی تلقی نمی شود. و مفاهیم جدیدتر و مهم تری جای آن را خواهند گرفت و مسئله زمان را حل خواهند کرد. اگر بتوان به گذشته و یا آینده سفر کرد زمان و اهمیت آن کم رنگ تر خواهند شد.



Sleep, 1937 - Dali

اثر سالوادور دالی-۱۹۳۷

سالوادور دالی سعی در نشان دادن انسان جدیدی کرده است. انسانی که در درون تغییرات بسیاری دارد و در واقع درون و بیرون متفاوتی دارد که شاید فقط بیرون آن نمادی از انسان امروزی است. انسانی که دیگر نقش آفریده شدن را کنار زده و می خواهد که آفریننده باشد. خالق یک بنا یک شهر یا یک جهان.

#### ۴.۲. معماری و تخیل

همانگونه که گفته شد جنبش هنری فوتوریست پیش گام استفاده از تخیل در معماری بوده که توانسته است آینده را در تخیلات خود مجسم کرده و به تصویر بکشد. آینده ای که به واقعیت تبدیل شد به گونه ای که فوتوریست ها به خوبی توانستند در عصری که هنوز صحبت از افزایش جمعیت و زندگی شهر نشینی نبود نیاز مردمان آینده را تصور کرده و ساختمان های سر به فلک کشیده را در طرح های خود بکشند. این می تواند الگویی برای معماران امروزی باشد که قوه تخیل خود را قوی کنند تا بتوانند آینده را بسازند.



## ۵. زیبایی-تخیل-فوتوریسم-معماری

با توجه به توضیحات و تعاریفات ارائه شده نقش یک معمار در آینده بسیار پررنگ تر از زمان حال خواهد بود به گونه ای که سرعت حرکت به سمت آینده باعث می شود معمار قوه تخیل خود را گسترش دهد، تعریف های تازه ای از زیبایی بوجود بیاورد، به آینده و تغییرات آن بیاندیشد و پس از آن بنایی را خلق کند.

## ۶. تصویر آینده ایران

معماران امروزه می توانند زیر بنایی را برای آینده بسازند و به یک بنا به عنوان سندی برای آیندگان فکر کنند در کشور ما که در گذشته بناهای عظیم و زیبایی شکل گرفته است. امروزه رنگ و بویی از تنوع کار متفکرانه دیده نمی شود کارهایی صرفاً تقلیدی و تکراری سطح شهرها را فراگرفته است و معماران سعی در هم فکری و بکاربردن خلاقیت و تنوع برای ایجاد طرح های نو ندارند. تخیل عنصری فراموش شده در کار معماران کشورمان می باشد و به نظر می رسد اگر ما نیز در کشور خود بخواهیم به آینده فکر کنیم باید گام بلندی برداشته و دست از تکرار و تقلید برداریم قوه تخیل خود را بکار اندازیم تا بتوانیم به خلاقیت رسیده و آینده را خلق کنیم.

## ۷. تصویر آینده جهان

به نظر نویسنده اگر ذهن خود را به آینده بسپاریم شاید بتوان گفت که در ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده مفهوم شهر به معنای امروزی نخواهد بود و انسان که خصوصیتی به نام جاه طلبی دارد سعی می کند قلمرو خود را گسترش دهد دیگر یک آپارتمان ویا یک منزل بزرگ پاسخگوی انسان نخواهد بود و شاید هر انسان نیازمند یک شهر برای خود باشد. با توجه به اینکه انسان داشتن نقش خالق را از دیرباز در سر داشته این بار بخواهد برای خود یک شهر بیافریند. پس نقش معمار کاملاً متفاوت خواهد شد چون این بار او یک بنا را خلق نمی کند بلکه باید یک شهر با تمامی امکانات و داشته ها خلق کند. دیگر هنر معمار، فکر و خلاقیتش در یک بنا سنجیده نمی شود بلکه در خلق شهرها و کشورها به چشم می آید. زمینه فکری معمار گسترش بسیاری می یابد و چه بسا منجر به خلق نامکان های بسیاری گردد.

## مراجع

- نوربرگ-شولتس، کریستیان، ۱۹۷۴؛ معنا در معماری معاصر غرب؛ مهرداد قیومی - ص ۴۴۱
- قبادیان، وحید، ۱۳۸۲؛ معماری معاصر غرب - ص ۴۵-۴۶-۴۷